

# تحلیلی بر اولویت‌های تحقق حکمروایی محلی در ایران بر مبنای روش کیو

اصغر طهماسبی\* و ملیحه سلطان‌آبادی\*\*

نوع مقاله: علمی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۷	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۹	شماره صفحه: ۱۳۶-۱۵۵
-----------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

آنچه طراحی ساختار حکمروایی محلی با رویکرد مطلوب را بیش از گذشته ضروری می‌کند آسیب‌هایی است که مدیریت مناطق روستایی در ایران با آن مواجه بوده و همچنین کارایی و اثربخشی پایین برنامه‌های توسعه روستایی و خدمات‌رسانی به مناطق محروم در چند دهه گذشته است. هدف از این تحقیق بررسی اولویت‌های تحقق حکمروایی محلی در ایران از دیدگاه کنشگران بخش‌های دولتی، خصوصی، جامعه محلی و پژوهشگران حوزه برنامه‌ریزی منطقه‌ای و روستایی است. بدین منظور مجموعه عوامل تأثیرگذار در حکمروایی محلی از پیشینه مطالعه استخراج و پس از پالایش و دسته‌بندی ۳۱ عامل کلیدی منطبق با اصول هشتگانه حکمروایی خوب (قانون محوری، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، شفافیت، اجماع محوری، مشارکت، عدالت و برابری، کارایی و اثربخشی) انتخاب شد. سپس ۳۰ نفر از خبرگان و کنشگران صاحب‌نظر به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و گویه‌های استخراج شده را با بهره‌گیری از جدول کیو اولویت‌بندی کردند. داده‌های جمع‌آوری شده در نرم‌افزار *Q Methodology* و با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی *PCA* و چرخش واریماکس مورد تحلیل قرار گرفتند.

بر اساس یافته‌های تحقیق می‌توان اذعان کرد سه نوع دیدگاه متفاوت در خصوص اولویت‌های تحقق حکمروایی روستایی وجود داشته و ابعاد مشارکت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری به ترتیب در هر کدام از این گروه‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین هر سه گروه بر ضرورت تقویت فضای پرسشگری برای مطبوعات و رسانه‌ها و تقویت بعد پاسخگویی به عنوان اولویت کلیدی برای تحقق حکمروایی روستایی اتفاق نظر داشتند.

کلیدواژه‌ها: حکمروایی محلی؛ ظرفیت‌سازی؛ مشارکت کنشگران؛ روش کیو

\* استادیار دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران (نویسنده مسئول)؛ Email: asghar@khu.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران؛

Email: malihe.soltanabadi@gmail.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌ونهم، شماره یکصدویازدهم، پاییز ۱۴۰۱

doi: 10.22034/MR.2022.4679.4561

## بیان مسئله

تحولات شتابان محیطی و نتایج آن مانند جهانی سازی و گرایش به حاکمیت مردمی و مشارکتی در قالب حکمروایی محلی، باعث شده است تا تغییر در ساختار و فرایندهای مدیریت جوامع اجتناب ناپذیر شود. با توجه به این روند، بررسی و پیگیری رویکردهای دمکراتیک، مشارکتی و همچنین انعطاف پذیر در اداره امور عمومی کشورها به مسئله‌ای ضروری تبدیل شده است. بر این اساس ساختارها و فرایندهای متمرکز و سلسله‌مراتبی مدیریت سنتی دیگر جوابگوی سازمان دهی و بهره‌برداری مناسب از پتانسیل‌های محلی و ظرفیت‌های اجتماعی و همچنین ایجاد محیط رقابت پذیر و کیفی در دنیای امروز نبوده و باید ساختارهای جدید حاکمیتی با ویژگی‌های غیرمتمرکز، دمکراتیک و مشارکتی در اداره و مدیریت امور عمومی به کار گرفته شود. با توجه به اینکه هر سازمانی برای اداره امور خود به سازمان دهی مدیریتی در همه سطوح نیاز دارد به تبع حکومت‌ها نیز به عنوان یک سازمان بزرگ، برای رسیدن به اهداف مورد نظر و اداره امور جامعه به ایجاد سطوح مدیریتی در کشور نیازمندند، بنابراین در هر کشور سطوح مدیریت عمومی در قالب سه سطح، حکومت مرکزی، حکومت ایالتی و حکومت محلی طبقه بندی می‌شود (مقیمی، ۱۳۹۴).

بر همین اساس همه کشورها باید متناسب با ساختار مدیریتی و علائق حکومت مرکزی به سازمان دهی سطوح مدیریت در مجموعه حکومت پردازند. از سویی فرایند حکمروایی محلی به عنوان مدل نوین در امر حکومت داری به راهکاری ویژه برای بسیج منابع هر کشور به حساب می‌آید. در حکمروایی محلی، شبکه‌ای از بازیگران مدیریت محلی مانند بخش خصوصی، تشکل‌های غیردولتی و مدنی و نمایندگان دولت مرکزی اولویت‌ها و مسائل محلی را شناسایی و برای تحقق خواسته‌ها و رفع مشکلات با یکدیگر تشریک مساعی می‌کنند (زاهدی، ۱۳۸۶: ۱۸۳).

حکمروایی محلی از اثربخش‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و پایدارترین شیوه اعمال مدیریت است و پیش‌شرطی برای توسعه پایدار و الگوی مناسبی برای مدیریت شهری و روستایی معرفی می‌شود (عظیمی و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۹۳: ۱۰۰). آنچه تعیین‌کننده محلی بودن حکمروایی است، میزان مشارکت مؤثر شهروندان و بازیگران محلی در تعیین آرمان‌ها، خواسته‌ها و تلاش مشترک برای تحقق اهداف و خواسته‌های جامعه محلی است (Margri, 2004: 22). اغلب صاحب‌نظران و نویسندگان بر این باورند که حکمروایی هنر هدایت سازمان‌ها و جوامع است. البته انتقادی که بر این تعریف وارد است روابط از بالا به پایین است و کنترل‌ها در آن شدید است، اما عبارت هدایت واژه مناسبی است زیرا برای ما روشن می‌کند که حکمروایی مبتنی بر تعاملات بین ساختارها، فرایندها و سنت‌هاست که نحوه اعمال قدرت و مسئولیت‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و بیان نظرات شهروندان و ذی‌نفعان را تعیین می‌کند (Graham, Amos and Plumptre, 2003: 2). آنچه طراحی یک ساختار حکمروایی محلی با رویکرد مطلوب را بیش از گذشته ضروری می‌کند آسیب‌هایی است که مدیریت محلی در ایران با آن مواجه بوده و همواره بر سر راه توسعه کشور و خدمات‌رسانی مانع ایجاد کرده است. ساختار سیاسی و اداری کشور ما طی سالیان دراز متمرکز، اقتدارگرا و انحصارطلب بوده و هرگز در طول تاریخ کشور بخش عمومی و خصوصی فرصت ابراز وجود و مشارکت فعال در عرصه عمومی را نیافته‌اند و از حقوق و تکالیف خود آگاهی نداشته‌اند. در زمینه‌های مختلف محلی، کمبود نیروی متخصص و کارآمد وجود دارد. محدودیت منابع مالی و نبود استقلال مالی از موارد دیگری است که به مدیریت محلی در ایران آسیب رسانده است (ویسی، احمدی‌پور و قالیباف، ۱۳۹۱: ۳۶-۱۹).

دیگر چالش‌ها در مسیر تحقق حکمروایی محلی، عدم تفکیک امور ملی و محلی، مداخله حداکثری دولت در امور اجرایی، پایین بودن ظرفیت مدیریت‌های محلی در

پذیرش مسئولیت اجرایی، فقدان یکپارچگی در تصمیم‌گیری و دولتی شدن مدیریت‌های محلی و ... است. اینها مسائلی است که در ایران مغفول مانده و متناسب با تحولات شتابان جهانی پیش نرفته است. به عقیده استارک<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) برخی عوامل و چالش‌ها، با تأکید بر جامعه روستایی آمریکا به شرح ذیل است: عامل نخست به افزایش فشار بر حکومت‌های روستایی و رهبران آنها بازمی‌گردد. مقامات منتخب پاره‌وقت، مسئولیت‌های اجرایی و مالی سنگینی برعهده دارند، بدون آنکه حمایت تخصصی لازم از آنان شود. عامل دیگر مربوط به کاستی‌های نظام حاکم است. جهانی شدن و تجدد ساختار صنعتی، در حال تغییر اقتصاد مناطق مختلف است. در همه جا نشانه‌هایی از بهره‌مندی جوامع روستایی از همیاری، مشارکت مردم و تحلیل منطقه‌ای به چشم می‌خورد، اما نظام موجود به ندرت از این رویکردها حمایت می‌کند و ابتکارات حکمروایی محلی که از طرف حکومت‌های ایالتی و سازمان‌های انسان‌دوستانه ارائه می‌شود، اندک، ولی دلگرم‌کننده است.

پس از تصویب قانون تأسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور تاکنون حدود ۲۲۰۰۰ حکومت محلی در نواحی روستایی با شخصیت حقوقی مستقل تشکیل شده‌اند که اداره عمومی بیش از ۱۸ میلیون نفر از روستاییان و مدیریت عمران و توسعه حدود ۲۲۰۰۰ نقطه جغرافیایی را در پهنه کل کشور برعهده گرفته است (معاونت امور دهیاری‌ها، ۱۳۸۷: ۵). تحقیقات پیشین تحقق حکمروایی محلی را مستلزم فراهم شدن زیرساخت‌های اداری، نهادی، حقوقی و مدیریتی و همچنین تمرکززدایی و مشارکت جامعه مدنی و بخش غیردولتی در فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت محلی دانسته‌اند (توکلی‌نیا، اسکندرپور و برغم‌دی، ۱۳۹۱: ۱۴۷). در این راستا باید انجمن‌های محلی، سازمان‌های غیردولتی و به‌طور کلی اجتماعات

محلی تقویت و تجهیز شوند (زاهدی، ۱۳۸۶: ۱۸۳). کمیته بین‌المللی همکاری و توسعه اروپا<sup>۱</sup> (۲۰۱۶: ۱۶۰) در زمینه توانمندسازی مقامات محلی بر ارزش ابزاری تمرکززدایی تأکید دارد که نشان‌دهنده تغییری پارادایمی در مواجهه با عدم تمرکز و توسعه محلی و منطقه‌ای است. خسروی (۱۳۹۶)، نشان داد که تحقق حکمروایی محلی، بدون ساختار مناسب میسر نیست و فقدان ساختار مناسب برای پیشبرد امور با نگرش چندبعدی و هماهنگ همواره یکی از چالش‌های اصلی دهه اخیر بوده است. بنابراین برای رسیدن به حکمروایی محلی مطلوب و شرایط ایدئال به شکل ساختاری همراه و شبکه‌ای نیاز است. از نظر مرادی (۱۳۸۳)، تحقق حکمروایی محلی، نیازمند نهادینه شدن تمرکززدایی و تکثرگرایی در کشور و علاوه بر آن عزم و اراده سطح ملی و آگاه‌سازی جامعه مدنی است. نظر به اینکه تفاوت در دیدگاه‌های کنشگران مختلف در الزامات حکمروایی محلی، کمتر در تحقیقات پیشین مورد توجه قرار گرفته است، مقاله حاضر با استفاده از روش شناسی کیو به تحلیل و مقایسه دیدگاه‌های ذی‌نفعان کلیدی به اولویت‌های حکمروایی محلی می‌پردازد. از این رو تحقیق حاضر به این سؤال کلیدی تمرکز دارد که از دیدگاه کنشگران بخش‌های دولتی، خصوصی، جامعه محلی و پژوهشگران حوزه برنامه‌ریزی منطقه‌ای و روستایی کدام یک از ابعاد حکمروایی خوب از اهمیت بیشتری برخوردار است؟

## ۱. پیشینه و مبانی نظری

ام دی و تورلی<sup>۲</sup> (۲۰۱۶) در «حکمروایی خوب، دولت محلی، پاسخگویی و ارائه خدمات در تانزانیا»، به تحلیل برنامه توسعه ۲۰۲۵ تانزانیا با تأکید بر حکمروایی در سطح محلی

---

1. International Cooperation and Development European Commission

2. Mdee and Thorley

پرداخته‌اند و به این نتیجه اشاره دارند که وابستگی نهادهای محلی به بودجه دولت مرکزی، میزان تحقق شاخص‌های حکمروایی خوب را کاهش می‌دهد. بارتلت<sup>۱</sup> و پوپوواسکی (۲۰۱۳) در کتاب حکمروایی محلی و همبستگی اجتماعی در اوکراین، موانع اجرایی شدن حکمروایی محلی و همبستگی اجتماعی را بیان می‌کنند. عواملی مانند نبود اداره لازم برای اجرایی کردن برنامه‌ها، نبود انگیزه برای اصلاح سیستم، تمرکز قدرت اقتصادی و سیاسی و متعاقباً بحران، رکود و سطح بالای فساد موجب شکل‌گیری جامعه‌ای متفرق شده است که در آن گروه‌های گوناگون جامعه با یکدیگر همبستگی کمتری دارند. مالیک<sup>۲</sup> (۲۰۱۳)، در مدیریت محلی و جامعه برای صلح و توسعه در نپال، نشان داد که در این کشور بر نقش مثبت سازمان‌های اجتماع‌محور در توسعه تأکید شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر پاسخگويانی که از آنان پرسشگری به عمل آمده معتقدند، بسیج اجتماعی و توسعه اجتماع محلی باید به مثابه اجزای یکپارچه اصلاح حکمروایی محلی تلقی شوند و دولت محلی و توسعه اجتماع‌محور مکمل یکدیگرند. حکومت‌های محلی نیز در زمره کنشگران مهم حکمروایی اجتماع محلی محسوب می‌شوند.

یونگ<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۱) در «مدیریت خوب محلی برنامه‌ریزی توسعه زیرساخت‌های روستایی: مطالعات موردی شوراهای کمون در کامبوج» کاربرد حکمروایی خوب محلی بر اجرای برنامه‌های توسعه روستایی را بررسی کرده و اشاره می‌کنند که وجود تعهد کاری بین شوراها و مدیران محلی، آموزش، جذب منابع مالی و ... در میزان رضایتمندی از عملکرد آنان مؤثر بوده است. جانسون<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۰۷) در تمرکززدایی: رویکردی در

---

1. Bartlett and Popovski

2. Mallik

3. Young

4. Johnson

تقویت حکمروایی خوب، به این نتیجه رسیدند که در محیط‌های روستایی مدیریت محلی عمدتاً از شکل آمرانه یا اقتدارگرایانه برخوردار است که بخش چشمگیری از قدرت مدیریت در اختیار مدیران محلی بوده و سطح مشارکت طلبی پایین و ضعیف است. بر این اساس اتخاذ رویکرد حکمروایی خوب در مدیریت روستایی می‌تواند در تمرکززدایی قدرت و تصمیم‌گیری مدیران محلی مؤثر باشد. داگلاس<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) «در تجدید ساختار حکمروایی محلی در مناطق روستایی: چشم‌انداز توسعه روستایی» به این نتیجه دست یافت که بازساخت حکمروایی محلی شامل مداخله مهم در زندگی‌های جوامع روستایی است و این موضوع جهانی است و درحقیقت بیانگر نقش توزیع قدرت در جامعه روستایی بین سطوح متفاوت حکومت‌ها، ارزش‌ها و عقاید ایدئولوژیک قدرتمند است. ژانگ<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۴)، در «حکمروایی محلی و خدمات‌رسانی در نواحی روستایی چین»، سعی کردند آثار تغییر ساختار حکومت محلی را که طی دهه ۱۹۸۰ صورت گرفته بررسی کنند و در نتیجه اشاره دارند که ساختار جدید، باعث بهبود تخصیص بودجه به مخارج عمومی شده است. بارکین<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) در «حکمرانی محلی: یک مدل مدیریت پایدار منابع روستایی در جهان سوم»، به این نتیجه دست یافت که روستاها در کشورهای جهان سوم در معرض انواع ناپایداری‌های محیطی قرار دارند. بنابراین مدیریت مؤثر و کارآمد روستایی می‌تواند در کنترل ناپایداری‌های زیست‌محیطی تأثیرگذار باشد. در این راستا برخورداری مدیران روستایی از شیوه مدیریت و حکمرانی محلی مشارکتی می‌تواند در مشارکت جویی مردم محلی برای مدیریت مناسب و پایدار منابع مؤثر باشد. وودز<sup>۴</sup> (۲۰۰۰) در «چالش حکمروایی

---

1. Douglas

2. Zhang

3. Barkin

4. Woods

خوب برای بانک جهانی و صندوق بین‌المللی سرمایه‌گذاری خارجی<sup>۱</sup>» به این نتیجه دست یافت که دلایل اصولی و منطقی و عملی بهبود معیارهای حکمرانی خوب در محدوده سازمان‌های بین‌المللی مطرح می‌شود و بانک جهانی و صندوق بین‌المللی سرمایه‌گذاری خارجی باید زمینه مشارکت و پاسخگویی ذی‌نفعان را با اصلاح برخی قواعد ساختاری و نیز رویکردهای تصمیم‌گیری فراهم کنند.

کاظمیان و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش «الگوی نقش و ساختار حکمروایی محلی در نظام مدیریتی ایران» به این نتیجه رسیدند که برای ایران می‌توان در سطح محلی و مرکزی نقش‌های اختصاصی و ارتباطی در چهار گروه دولتی، عمومی، خصوصی و مردمی در نظر گرفت. همچنین برای حکمروایی محلی ایران در حالات موجود، ممکن و مطلوب، به ترتیب سه شکل ساختاری مجزا، هماهنگ و همراه ارائه شده که برای برعهده گرفتن نقش‌ها، اولویت‌های متفاوتی دارند. بنابراین شکل‌گیری الگوی مطلوب حکمروایی محلی در ایران به شناخت وضع موجود و همچنین عبور از وضع ممکن نیاز داشته و به تدریج حاصل خواهد شد.

حسام، رضوانی و آشور (۱۳۹۳)، در «سنجش رضایتمندی روستاییان از عملکرد دهیاری‌ها با رویکرد حکمروایی خوب روستایی (مطالعه موردی روستاهای دهستان جنوبی-شهرستان گرگان)» به این نتیجه دست یافتند که در صورت تحقق حکمروایی خوب روستایی، می‌توان امیدوار به صیانت از حقوق روستاییان بود. همچنین سنجش وضعیت رضایت روستاییان از عملکرد دهیاری‌ها در روستاهای دهستان جنوبی شهرستان گرگان نشان داد که به صورت کلی رضایت از دهیاری‌ها در این دهستان در وضعیت مطلوبی قرار داشته است. دربان آستانه و رضوانی (۱۳۹۰) در «تبیین عوامل مؤثر بر حکمروایی روستایی

---

1. International Monetary Fund (IMF)



در حکومت‌های محلی (مطالعه موردی شهرستان قزوین))، به این نتیجه رسیدند که تنها ۱۰ درصد حکومت‌های محلی حکمروایی روستایی مناسبی دارند. همچنین متغیرهای درجه دهیاری، جمعیت روستا، رضایت شغلی و سطح تحصیلات دهیار، سبک مدیریت، انسجام اجتماعی، تعامل مؤثر با دهیاری‌های مجاور و تجربه دهیار مهم‌ترین عوامل مؤثر بر حکمروایی روستایی محسوب می‌شود.

برک‌پور و بصیرت (۱۳۸۹) در «چالش‌های حکمروایی روستایی در منطقه کلان‌شهری تهران»، به این نتیجه رسیدند که برخی از چالش‌های اساسی در این منطقه با در نظر گرفتن اصول حکمروایی روستایی عبارتند از: افزایش قلمروهای سیاسی و مدیریتی بدون تدبیر سازوکارهای مناسب برای ایجاد همکاری و هماهنگی میان آنها، فقدان یکپارچگی در سیاستگذاری توسعه سکونتگاه‌های روستایی واقع در منطقه، وضع و اجرای قوانین ضد منطقه‌گرایی و یکپارچگی، فقدان همکاری و همیاری میان بخش‌های دولتی، شبه‌دولتی و عمومی در توسعه منطقه.

فرهادی و زارع (۱۳۸۹) در «نگرشی بر مدیریت روستایی چین با رویکرد حکمروایی»، وضعیت مدیریت روستایی را در چین طی چهار مقطع زمانی براساس رویدادهای مهم تاریخی بررسی کردند که سبب تحولات سیاسی در این کشور شده است و در نهایت شاخص‌های حکمروایی، مورد سنجش و مطالعه قرار گرفته است. نتایج نشان داد در سه مقطع زمانی اولیه، مدیریت روستایی در کشور چین بر اصول سنتی حاکم استوار بوده است، ولی بعد از وقوع انقلاب دوم در چین، مدیریت روستایی و حکمروایی محلی دستاوردهای چشمگیری داشته و از جمله سبب شکوفایی روستاها از نظر اقتصادی، اجتماعی، افزایش مشارکت در امور فرهنگی روستاها، افزایش مشارکت مدنی و انتخابات آزاد در روستاهای چین شده است.

دربان آستانه و همکاران (۱۳۸۹) در «سنجش و تحلیل عوامل مؤثر بر حکمروایی روستایی در حکومت محلی (مطالعه موردی شهرستان قزوین)»، یکی از اصول حکمروایی روستایی را مشارکت و جلب کمک‌های مردمی در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری‌ها، اجرا و نظارت بر فعالیت‌ها و اقدامات حکومت‌ها بیان می‌کنند و نتیجه می‌گیرند موفقیت حکومت‌های محلی در جلب کمک‌های مردمی ناچیز است.

رهنورد و عباس‌پور (۱۳۸۶) در «حاکمیت خوب و امکان پیاده‌سازی آن در ایران» به این نتیجه دست یافتند که برای به‌کارگیری الگوی حاکمیت خوب در ایران به دو نکته مهم باید توجه شود: اول، نقش تعیین‌کنندگی فشارهای اجتماعی در بازسازی اداری و دوم، امکان اجرای اصلاحات مبتنی بر حاکمیت خوب در چارچوب نهادهای کشور. در ایران این عزم ملی وجود دارد که باید مسیر توسعه را طی کرد و دیدگاه حاکمیت خوب می‌تواند با تجمیع سازوکارهای نوسازی و بهسازی مرتبط به هم، یک راه‌حل اساسی برای مسائل مدیریتی دولتی ایران باشد.

امروزه تغییر از حکومت به حکمروایی، چیزی بیشتر از تغییر در ساختار نهادی است. این تغییرات شامل: تغییر در سبک، بیان و گفتمان حکومت است. دیگر این تصور وجود ندارد که دولت دارای حق انحصاری حکمروایی است و همچنین در مورد مسئولیت‌های دولت و بخش‌های دیگر، قطعیت وجود ندارد. نقش دولت به‌عنوان فراهم‌کننده کالاهای عمومی نیست بلکه نقش تسهیل‌گری را برعهده دارد که جوامع محلی را قادر می‌سازد امور خود را اداره کنند. به همین ترتیب، تصور بر این است که مشروعیت حکمروایی، بیش از اینکه قیومیت انتخاباتی حکومت سنتی باشد، با مشارکت مستقیم شهروندان و ذی‌نفعان در اداره فعالیت‌ها حاصل می‌شود (Woods, 1995).

حکمروایی به‌عنوان ساختی مفهومی، همه ویژگی‌های مفهومی جامع را دربردارد،

به طوری که حکومت به عنوان هدایت عمومی، انحصاری و یک طرفه و حکمروایی با ویژگی هدایت افقی، جمعی و چندوجهی شناخته می‌شود (Hendriks, 2013). مفهوم حکمروایی اگرچه در سال‌های اخیر اهمیت یافته، اما در حقیقت واژه‌ای قدیمی است و از واژه فرانسوی Gouverner گرفته شده است (قلیچی، ۱۳۸۵: ۱۹۳). مفهوم حکمروایی از اواخر دهه ۱۹۸۰ وارد اداره امور محلی شد و بر موضوع یا محتوایی قدیمی درباره رابطه قدرت و جامعه دلالت داشت که ایده‌های نظری آن به دوران ارسطو و افلاطون و ابعاد فلسفی طرح شده آنها در زمینه حکومت و شهروندی برمی‌گردد. اما امروزه این واژه غالباً برای تشریح نحوه مناسب اعمال قدرت به منظور تحقق توسعه پایدار به کار برده می‌شود (اطهاری، ۱۳۸۶: ۳۲). به عقیده دونالد کتل، حکمروایی در چهار سطح مطرح است: در فضای جهانی و فراتر از ملی، در فضای ملی و درون یک کشور، در فضای سازمانی و در فضای جوامع محلی. یکی از ابعاد منطقه‌ای حکمروایی، حکمروایی محلی است که به کیفیت اداره امور محلی در حوزه‌های شهری و روستایی اشاره دارد (زاهدی، ۱۳۸۶: ۱۸۳). حکمروایی به معنای اداره و تنظیم امور است که به رابطه شهروندان و حکومت اطلاق می‌شود و نوعی حکمراندن به شمار می‌آید (عظیمی آملی و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۹۳: ۹).

### ۱-۱. مهم‌ترین اصول و معیارهای حکمروایی

حکمروایی خوب عبارت است از رهیافت مدیریتی بر جامعه محلی که بر توانمندی جامعه و نقش مستقیم آنها در فرایند توسعه با همکاری بخش دولتی و سازمان‌های غیردولتی تأکید دارد (همان: ۲۰). مفهوم حکمروایی خوب با تعبیرها و تعریف‌های گوناگون از طرف نویسندگان مختلف همراه بوده است، اما با مرور این تعاریف می‌توان به معیارها و ویژگی‌های مشترک حکمروایی خوب دست یافت. در کنفرانس «ویژگی‌های حکمروایی خوب، ابتکار

عمل حکمروایی شهری» که در سال ۲۰۰۰ در نیویورک برگزار شد در تعریف حکمروایی خوب بیان شده است که حکمروایی خوب مشارکتی، شفاف و مسئول است. همچنین اثربخش و عدالت پذیر است و قانونمندی را تشویق می‌کند. حکمروایی اولویت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را برپایه توافق گسترده در جامعه استوار می‌سازد و نظر محروم‌ترین و آسیب پذیرترین افراد را در تصمیم‌گیری درباره تخصیص منابع می‌گنجانند (UNDP, 2000: 1).

شاخص‌های حکمروایی خوب در ایران به شرح زیر است:

■ **قانون محوری:** وجود چارچوب‌های قانونی درست و منصفانه که به صورت بی‌طرفانه اجرا شود.

■ **مسئولیت‌پذیری:** مسئول بودن نهادها و فرایندها، مسئولان و تصمیم‌گیران به خواسته‌ها، انتظارات و نیازهای افراد و گروه‌های روستایی جهت ارائه خدمات (عظیمی آملی و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۹۳: ۳۴).

■ **پاسخگویی:** فرایندی که با آن سازمان‌ها، مدیران و انجمن‌های محلی روستایی، مسئول نتایج تصمیم‌ها و فعالیت‌هایشان هستند.

■ **شفافیت:** فرایندی که اطلاعات مربوط به شرایط موجود، تصمیمات و اقدامات را در دسترس، قابل رؤیت و فهم می‌کند.

■ **اجماع محوری:** هدایت منافع و سلیقه‌های مختلف در جامعه به سمت اجماع گسترده که بهترین و بیشترین منفعت را برای همه اجتماع دارد (دربان آستانه و رضوانی، ۱۳۹۳: ۱۷۸).

■ **مشارکت:** مشارکت تمامی اقشار اعم از زنان و مردان در شکل دادن به سرنوشت خود.

■ **عدالت و برابری:** رفاه و بهبود یک جامعه به تضمین عدالت وابسته است، سهم و نقش هرکس قابل احساس شدن باشد (عظیمی آملی و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۹۳: ۳۹-۳۷).

■ **کارایی و اثربخشی:** استفاده بهینه از منابعی که در اختیار دارند (دربان آستانه و رضوانی، ۱۳۹۳: ۱۸۰).

با این وجود برخی عوامل مانند فساد، عدم آموزش، سیستم ضعیف نظارت و ارزیابی، سطح پایین هماهنگی و ظرفیت پایین اجرایی می‌تواند مهم‌ترین دلایل عدم تحقق شاخص‌های مذکور باشد (Adisalem, 2015: 2).

## ۲-۱. کنشگران حکمروایی محلی

مقوله کنشگران حکمروایی شامل سه مقوله جامعه مدنی، بخش خصوصی و دولتی است. حکمروایی نتیجه تعامل و روابط بین این سه بخش است و به حضور فعال و اثرگذار این ارکان در سایه مشارکت، پاسخگویی، حاکمیت قانون، کارایی و اثربخشی، مسئولیت‌پذیری، اجماع‌پذیری و نظارت و توسعه انسانی تأکید دارد (Murdoch and Abram, 1998: 45). مهم‌ترین و ارجح‌ترین عامل که سایر بخش‌ها به نوعی مشغول خدمات‌رسانی به آن هستند، بخش مردمی و جامعه مدنی (بسیج و اصناف) است. بخش خصوصی به عنوان دومین بخش شامل سرمایه‌گذاران، شرکت‌های خصوصی و خدمات‌رسانی است. بخش آخر بخش دولتی است که همه شعب و نمایندگان نهادهای سطح ملی حاکمیت (وزارت کشور، استانداری، فرمانداری، بخشداری و...) را شامل می‌شود که در سطح محلی فعالیت می‌کنند. هرچند این سه بخش هر یک ضعف‌ها و قوت‌هایی دارند، ولی هدف اصلی حکمروایی خوب، افزایش بالاترین میزان کنش متقابل میان بخش‌ها در جهت به حداقل رساندن نقاط ضعف و به حداکثر رساندن نقاط قوت است. هرچه گفتگو و ارتباط این سه بخش بیشتر باشد مسیر حرکت جامعه در جهت رسیدن به توسعه اقتصادی و اجتماعی هموارتر می‌شود و هر قدر وابستگی، همبستگی و تعادل بین این سه بخش بیشتر شود برای جامعه بهتر خواهد بود.

شکل ۱. کنشگران حکمروایی محلی



مأخذ: یافته‌های محققان، ۱۳۹۹ (استخراج از منابع مختلف).

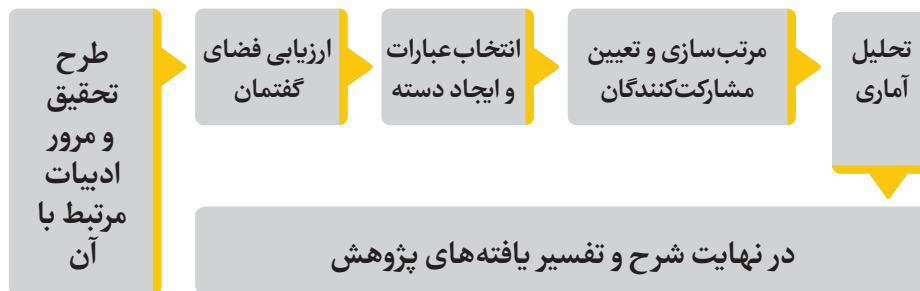
## ۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی و از جهت داده‌های جمع‌آوری و تحلیل شده از نوع ترکیبی (آمیخته) است. پژوهش‌های ترکیبی، پژوهش‌هایی هستند که با استفاده از ترکیب دو مجموعه تحقیق کمی و کیفی به انجام می‌رسند و شواهد بیشتری برای درک بهتر پدیده‌ها به دست می‌دهند و محدودیت طرح‌های تحقیق کیفی را از میان برمی‌دارند (بازرگان، ۱۳۸۷). بر همین اساس از آنجایی که هدف تحقیق حاضر بررسی اولویت‌های تحقق حکمروایی محلی در ایران از دیدگاه کنشگران بخش‌های دولتی، خصوصی، جامعه محلی و پژوهشگران حوزه برنامه‌ریزی منطقه‌ای و روستایی است، برای دستیابی به این هدف از روش کیو استفاده می‌شود. در روش کیو پژوهشگر به دنبال اندازه‌گیری خصوصیات افراد نیست، بلکه از افراد می‌خواهد ذهنیت‌های خود را درباره موضوع خاصی بیان کنند (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶: ۱۴).

هدف اصلی این روش شناخت الگوهای ذهنی است، نه شمارش تعداد افرادی

که تفکرات مختلفی دارند. از این نظر می‌توان گفت روش یادشده روشی کیفی است، اما از آنجاکه برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل عاملی و تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده می‌شود، این روش به نوعی روش کمی نیز محسوب می‌شود. روش تحلیل عاملی اصلی‌ترین روش آماری برای تحلیل ماتریس داده‌های کیو است که در آن افراد به جای متغیرها دسته‌بندی می‌شوند (پورعزت و حیدری، ۱۳۹۰). به همین دلیل روش کیو را روش ترکیبی (کمی - کیفی) می‌نامند. جامعه آماری پژوهش شامل ۳۰ نفر از خبرگان و کنشگران صاحب‌نظر به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و گویه‌های استخراج شده را با بهره‌گیری از جدول کیو اولویت‌بندی کردند. برخی مراحل انجام روش کیو را به پنج مرحله و برخی به دو مرحله دسته‌بندی کرده‌اند. در این پژوهش از فرایند پنج مرحله‌ای به شرح شکل ۲ استفاده شده است.

شکل ۲. مراحل اجرای طرح پژوهش براساس مدل کیو



مأخذ: همان.

در مطالعات کیو برخلاف روش‌های کمی که معمولاً در آن تعداد اندکی سؤال از تعداد زیادی پاسخگو پرسیده می‌شود در مطالعه کیو برعکس تعداد زیادی سؤال از تعداد کمی پاسخگو پرسیده می‌شود یعنی مطالعات کیو به جای تأکید بر توزیع داده‌ها بر سؤال‌ها

تأکید دارد. مجموعه عامل‌های کیو و چگونگی تهیه آن: با توجه به موضوع پژوهش که یکی از مباحث روز در بین عامه مردم بوده و هست، اظهارنظرهای زیادی از طریق گوناگون در بررسی جنبه‌های مختلف آن می‌توان یافت. این اظهارنظرها با توجه به عمومیت موضوع، هرکدام می‌تواند در حوزه‌ای خاص، یا به صورت کلی‌تر و عام‌تر مطرح شده باشد. بدین منظور مجموعه عوامل تأثیرگذار در حکمروایی محلی از پیشینه مطالعه استخراج و پس از پالایش و دسته‌بندی ۳۱ عامل کلیدی منطبق با اصول هشتگانه حکمروایی خوب (قانون محوری، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، شفافیت، اجماع محوری، مشارکت، عدالت و برابری، کارایی و اثربخشی) انتخاب شد (جدول ۱).

جدول ۱. میزان اهمیت عامل‌ها در تحقق حکمروایی روستایی

ابعاد	شماره	کد	عامل
قانون محوری	۱	L1	اصلاح و تقویت قوانین رسمی موجود در تسهیل مشارکت کنشگران مختلف
	۲	L2	اصلاح و تقویت سازوکارهای نظارت دولتی بر اجرای قوانین حکمروایی روستایی
	۳	L3	ایجاد و تقویت سازوکارهای نظارت اجتماعی بر اجرای قوانین حکمروایی روستایی
	۴	L4	شناسایی و تقویت قوانین عرفی جوامع محلی در حکمروایی روستایی
مسئولیت‌پذیری	۵	Rb1	واگذاری برخی مسئولیت‌های دستگاه‌های اجرایی به تشکل‌های محلی روستاییان
	۶	Rb2	آموزش و ارتقای مسئولیت‌پذیری اجتماعی روستاییان در حکمروایی روستایی
	۷	Rb3	شفاف‌سازی وظایف و مسئولیت سازمان‌های دولتی در حکمروایی روستایی
	۸	Rb4	ارزیابی عملکرد سازمان‌های دولتی در حل مشکلات روستاییان
پاسخگویی	۹	Rs1	ایجاد و تقویت فضای پرسشگری برای مطبوعات و رسانه‌ها
	۱۰	Rs2	ایجاد و تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs) در حکمروایی روستایی
	۱۱	Rs3	ایجاد الزامات قانونی برای پاسخگویی سازمان‌های دولتی به نیازهای جامعه محلی
	۱۲	Rs4	ایجاد فضای مطالبه‌گری جامعه مدنی از سازمان‌های دولتی و مسئولان



ابعاد	شماره	کد	عامل
شفافیت	۱۳	T1	ملزم کردن دستگاه‌های اجرایی برای اشتراک‌گذاری اطلاعات منابع مالی و هزینه‌ها
	۱۴	T2	تشکیل بانک اطلاعاتی وضعیت منابع پایه و اقتصادی اجتماعی به تفکیک روستاها
	۱۵	T3	استفاده از شاخص اشتراک‌گذاری اطلاعات برنامه‌ها در ارزیابی سازمان‌های دولتی
	۱۶	T4	ایجاد امکانات برخط و آنلاین جهت مشاهده تصمیمات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ...
اجماع محوری	۱۷	C1	حضور نمایندگان تشکل‌های محلی در جلسات و تصمیم‌گیری‌های شورا و دهیاری
	۱۸	C2	حضور و مشارکت نمایندگان تشکل‌های محلی در شورای برنامه‌ریزی شهرستان
	۱۹	C3	حضور و مشارکت نمایندگان تشکل‌های محلی در جلسات تخصصی دستگاه‌های اجرایی
مشارکت	۲۰	P1	تغییر رویکرد از برنامه‌ریزی متمرکز به برنامه‌ریزی مشارکتی
	۲۱	P2	بسیج و سازمان‌دهی تشکل‌های جوامع محلی
	۲۲	P3	ایجاد و تقویت مکانیسم‌های همکاری سازمانی در مدیریت روستا
	۲۳	P4	تدوین برنامه توسعه روستا توسط نمایندگان جوامع محلی
عدالت و برابری	۲۴	E1	توزیع عادلانه امکانات و قدرت در سطوح مختلف مدیریتی
	۲۵	E2	تفویض اختیارات کافی به شورا، دهیار و شهرداری در امور برنامه‌ریزی و توسعه
	۲۶	E3	توزیع عادلانه منابع و امکانات بین مناطق مختلف کشور
	۲۷	E4	برنامه‌ریزی در جهت ایجاد و توسعه عدالت و برابری فضایی
کارایی و اثربخشی	۲۸	Ef1	حمایت از تقویت و توسعه کسب‌وکار و اشتغال در مناطق روستایی
	۲۹	Ef2	شایسته‌پروری و ضابطه‌مندی در سیستم اداری
	۳۰	Ef3	تمرکز بر محرومیت‌زدایی در توسعه مناطق روستایی
	۳۱	Ef4	تمرکز بر توسعه زیرساخت‌ها و امکانات مناطق روستایی

مأخذ: یافته‌های محققان، ۱۳۹۹.

گردآوری داده‌های مرتب شده کیو: برای دسته‌بندی، یک نمودار کیو برای ۳۱ عبارت پژوهش به‌گونه‌ای تنظیم شد که بتوان مجموعه عبارات را در یک توزیع نسبتاً نرمال از به‌شدت بااهمیت (۳) تا به‌شدت کم‌اهمیت (۳-) رتبه‌بندی کرد (شکل ۳). حال بایستی از مشارکت‌کنندگان خواسته می‌شد که عامل‌های نمونه کیو را براساس میزان موافقت و مخالفت در نمودار توزیع کنند. از آنجاکه تعداد گزاره‌ها زیاد بود، ابتدا از افراد خواسته شد عبارات را به سه دسته کلی (مهم، حدوسط و بی‌اهمیت) تقسیم کنند



داده‌های کیو را می‌توان هم در نرم‌افزار اختصاصی خود (Zabala, 2014) و هم در نرم‌افزار تجزیه و تحلیل آماری (Watts and Stenner, 2012) وارد و تجزیه و تحلیل کرد. روش تحلیل عاملی اصلی‌ترین روش آماری برای تحلیل ماتریس داده‌های کیو است که در آن افراد به جای متغیرها دسته‌بندی می‌شوند. مبنای این روش نیز همبستگی بین افراد بر اساس دیدگاه‌هایشان نسبت به گویه‌های تحقیق است. در این مطالعه از نرم‌افزار Q Methodology و روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی PCA با چرخش واریماکس استفاده شد. برای اطلاعات بیشتر در خصوص روش کیو به خوشگویان فرد (۱۳۸۶) مراجعه شود.

### ۳. یافته‌های تحقیق

جدول ۲ پراکنش دسته‌بندی دیدگاه‌های ذهنی مشارکت‌کنندگان در موضوع تحقیق را در سه گروه استخراجی به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی PCA با چرخش واریماکس نشان می‌دهد.

بار عاملی افراد در سه عامل شناسایی و مقایسه شده و هر نفر در گروهی قرار می‌گیرد که در آن بار عاملی بزرگ‌تری دارد. بدین منظور بار عاملی بیش از ۳۵ درصد، سطح قابل قبول در نظر گرفته شده است. در ستون ویژگی‌ها دو عدد حرف اول معرف سطح تحصیلات افراد (دکتری PH، فوق لیسانس MS و لیسانس BS و دیپلم DI) و یک حرف بعدی معرف کنشگران (دستگاه اجرایی S، بخش خصوصی P، جوامع محلی L و پژوهشگران حوزه برنامه‌ریزی منطقه‌ای و روستایی U) و دو عدد بعدی معرف سن افراد شرکت‌کننده بوده است.

جدول ۲. پراکنش دسته‌بندی دیدگاه‌های ذهنی مشارکت‌کنندگان در سه گروه استخراجی به روش

تحلیل مؤلفه‌های اصلی PCA با چرخش واریماکس

فاکتورهای استخراجی			ویژگی‌های افراد	ردیف
فاکتور ۳	فاکتور ۲	فاکتور ۱		
۰/۲۲۲۹	۰/۱۹۰۵	۰/۵۹۵۲X	BSS30	۱
۰/۰۸۰۴	۰/۱۴۰۴	۰/۷۴۲۸X	MSS46	۲
۰/۰۴۰۵	۰/۱۸۸۴	۰/۷۲۸۲X	BSS49	۳
-۰/۱۰۸۵	۰/۳۰۷۴	۰/۷۶۳X	MSS41	۴
۰/۴۴۰۹	۰/۵۵۹۴	۰/۵۱۳۵	BSS34	۵
۰/۱۷۱۹	۰/۵۹۰۳X	۰/۵۱۰۷	MSS38	۶
۰/۱۵۴۸	۰/۲۱۳	۰/۷۴۶۸X	BSS42	۷
-۰/۰۰۲۳	۰/۱۴۶۵	۰/۸۷۶۱X	BSS52	۸
۰/۲۶۱۲	۰/۳۴۶۷	۰/۶۳۲۶X	BSS30	۹
۰/۰۵۶۹	۰/۷۹۵۶X	۰/۳۵۴۳	DIL42	۱۰
-۰/۲۰۴۳	۰/۷۱۸۵X	۰/۲۸۱۲	DIL40	۱۱
-۰/۰۸۸۷	۰/۶۱۵۳X	۰/۳۸۶۵	MSL52	۱۲
-۰/۰۰۰۶	۰/۸X	۰/۰۲۵۱	DIL38	۱۳
-۰/۳۰۹۷	۰/۲۹۴۹	۰/۶۴۸۵X	BSL38	۱۴
۰/۰۴۴۷	۰/۷۷۳۸X	۰/۲۳۷۳	DIL34	۱۵
-۰/۰۶۷۲	۰/۶۵۱۳X	۰/۵۲۰۹	BSL41	۱۶
-۰/۰۵۳۴	۰/۵۲۷۱	۰/۶۰۹X	BSL43	۱۷
۰/۰۲۷	۰/۶۶۶۴X	۰/۳۰۸۲	BSP43	۱۸
۰/۲۸۴۳	۰/۸۱۲۲X	۰/۱۹۷۵	DIP57	۱۹
۰/۷۲۵۲X	۰/۴۸۵۳	۰/۰۸۸۳	BSP28	۲۰
۰/۲۵۱۵	۰/۵۶۲X	۰/۴۱۱۵	BSP29	۲۱
۰/۳۹۳۸	۰/۴۵۷۹	۰/۳۱۵۹	DIP45	۲۲
۰/۱۳۳۲	۰/۴۳۱۴	۰/۶۰۸۲X	BSP40	۲۳
۰/۴۶۵۱	۰/۷۲۶۴X	-۰/۰۹۴۳	DIP53	۲۴
-۰/۶۱۸۸	۰/۵۹۹۶X	۰/۱۴۲۴	PHU46	۲۵
۰/۷۱۷X	-۰/۰۵۵۹	-۰/۱۵۹۱	MSU32	۲۶

فاکتورهای استخراجی			ویژگی‌های افراد	ردیف
فاکتور ۳	فاکتور ۲	فاکتور ۱		
۰/۶۰۹۴X	۰/۰۵۲۷	۰/۳۳۹۳	MSU30	۲۷
-۰/۰۵۳۸	۰/۰۳۴۷	۰/۷۶۴۱X	MSU27	۲۸
-۰/۰۰۲۵	۰/۱۶۶۸	۰/۸۱۶۵X	PHU50	۲۹
۰/۰۴۴۲	۰/۳۵۱۴	۰/۷۷۳۸X	PHU45	۳۰
۱۰	۲۶	۲۸	درصد تبیین واریانس	

مأخذ: همان.

با توجه به جدول ۳ همبستگی بین فاکتورهای استخراج شده وجود دارد، به طوری که بین گروه ۱ با دو گروه دیگر میزان همبستگی به ترتیب ۰/۵۷۸۳ و ۰/۰۵۴۶ بوده و بین گروه ۲ و ۳ نیز این میزان برابر با ۰/۱۴۰۱ است.

جدول ۳. میزان همبستگی گروه‌های استخراج شده

	۱	۲	۳
۱	۱	۰/۵۷۸۳	۰/۰۵۴۶
۲	۰/۵۷۸۳	۱	۰/۱۴۰۱
۳	۰/۰۵۴۶	۰/۱۴۰۱	۱

مأخذ: همان.

بر اساس یافته‌های تحقیق می‌توان اذعان کرد که سه نوع دیدگاه متفاوت در خصوص تحقق حکمروایی روستایی در بین کنشگران مختلف (دولتی، خصوصی، جوامع محلی و پژوهشگران) وجود دارد که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

## دیدگاه اول

اعضای گروه اول را هفت نفر از مدیران بخش دولتی، سه نفر از پژوهشگران حوزه برنامه ریزی منطقه‌ای و روستایی، دو نفر از جامعه محلی و یک نفر از بخش خصوصی تشکیل داده‌اند. جدول ۴ گویه‌های متمایزکننده گروه شماره یک از گروه دو و سه را نشان می‌دهد. در این جدول برای هر گروه، ستون اول Q-sort value امتیاز اولویت بندی هر گویه از نظر گروه نشان داده و ستون Z-score مربوط به امتیاز نرمال شده گویه مربوطه در داخل آن گروه است. جدول ۴ گویای آن است که گویه تغییر رویکرد از برنامه ریزی متمرکز به برنامه ریزی مشارکتی، اولین گویه متمایزکننده گروه یک از دو گروه دیگر بوده و از نظر این گروه امتیاز ۳ رتبه بندی کیو و در گروه دو رتبه ۱ و در گروه سه رتبه ۲- را به خود اختصاص داده است و تفاوت این گویه در گروه اول با گروه دو و سه در امتیاز نرمال شده مشخص بوده و عدد بالاتر ۱/۸۹۶ را گرفته است. دومین گویه متمایزکننده گروه یک از دو گروه دیگر برنامه ریزی در جهت ایجاد و توسعه عدالت و برابری فضایی است، این گویه در گروه یک از امتیاز ۳ برخوردار بوده و در گروه دو و سه رتبه ۱ را به خود اختصاص داده است. اصلاح و تقویت سازوکارهای نظارت دولتی بر اجرای قوانین حکمروایی روستایی، شایسته‌پروری و ضابطه‌مندی در سیستم اداری، اصلاح و تقویت قوانین رسمی موجود در تسهیل مشارکت کنشگران مختلف از گویه‌های مورد تأکید گروه یک هستند که در دو گروه دیگر کمتر مورد توجه قرار گرفتند.

جدول ۴. گویه‌های متمایزکننده گروه ۱ نسبت به گروه ۲ و ۳

NO	گویه‌های متمایزکننده	گروه ۱		گروه ۲		گروه ۳	
		Z-SCR	Q-SV	Z-SCR	Q-SV	Z-SCR	Q-SV
۲۰	تغییر رویکرد از برنامه‌ریزی متمرکز به برنامه‌ریزی مشارکتی	۱/۸۹۶	۳	۰/۸۷۲	۱	-۱/۰۲	-۲
۲۷	برنامه‌ریزی در جهت ایجاد و توسعه عدالت و برابری فضایی	۱/۳۴۲	۳	۰/۶۲	۱	۰/۹۴۲	۱
۲	اصلاح و تقویت سازوکارهای نظارت دولتی بر اجرای قوانین حکمروایی روستایی	۱/۳۱۸	۲	-۰/۰۸۷۵	-۱	-۰/۵۹۳	-۱
۲۹	شایسته‌پروری و ضابطه‌مندی در سیستم اداری	۱/۱۷۱	۲	-۰/۱۹۶	۰	۰/۰۷۲	۰
۱	اصلاح و تقویت قوانین رسمی موجود در تسهیل مشارکت کنشگران مختلف	۰/۹۵۳	۲	۰/۰۹	۰	-۲/۲۱۸	-۳

مأخذ: همان.

## دیدگاه دوم

گروه دوم ۶ نفر از جامعه محلی با بیشترین تعداد و چهار نفر از بخش خصوصی و یک نفر از بخش دولتی را شامل می‌شود.

جدول ۵ گویه‌های متمایزکننده گروه شماره دو را در مقایسه با دو گروه دیگر نشان می‌دهد. گویه ایجاد و تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد در حکمروایی روستایی اولین گویه متمایزکننده گروه دو از دو گروه دیگر بوده و از نظر این گروه امتیاز ۲ رتبه‌بندی کیو و در گروه یک و سه به ترتیب ۱ و ۱- را به خود اختصاص داده است و تفاوت این گویه از نظر گروه دو و سه در امتیاز نرمال شده مشخص بوده و عدد بالاتر ۱/۳۶۱ را گرفته است. دومین گویه متمایزکننده گروه دو از دو گروه دیگر حضور نمایندگان تشکل‌های محلی در جلسات و

تصمیم‌گیری‌های شورا و دهیاری است، این گویه در گروه دو از امتیاز ۲ برخوردار بوده و در گروه یک و سه به ترتیب ۱ و ۰ را به خود اختصاص داده است. توزیع عادلانه منابع و امکانات بین مناطق مختلف کشور، تدوین برنامه توسعه روستا توسط نمایندگان جوامع محلی، بسیج و سازمان دهی تشکل‌های جوامع محلی از گویه‌های مورد تأکید گروه دو است که در دو گروه دیگر کمتر مورد توجه قرار گرفتند.

جدول ۵. گویه‌های متمایزکننده گروه ۲ نسبت به گروه ۱ و ۳

NO	گویه‌های متمایزکننده	گروه ۱		گروه ۲		گروه ۳	
		Z-SCR	Q-SV	Z-SCR	Q-SV	Z-SCR	Q-SV
۱۰	ایجاد و تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs) در حکمروایی روستایی	۰/۹۰۱	۱	۱/۳۶۱	۲	-۰/۶۷۵	-۱
۱۷	حضور نمایندگان تشکل‌های محلی در جلسات و تصمیم‌گیری‌های شورا و دهیاری	۰/۸۵۵	۱	۱/۲۶۲	۲	-۰/۱۷۱	۰
۲۶	توزیع عادلانه منابع و امکانات بین مناطق مختلف کشور	-۰/۳۶۴	-۱	۱/۲۲۲	۲	۰/۰۹	۰
۲۳	تدوین برنامه توسعه روستا توسط نمایندگان جوامع محلی	۰/۳۹۳	۱	۱/۱۴۸	۲	۰/۴۳۲	۰
۲۱	بسیج و سازمان دهی تشکل‌های جوامع محلی	-۰/۵۰۳	-۱	۱/۹۳۷	۱	-۰/۵	-۱

مأخذ: همان.

## دیدگاه سوم

گروه سوم که نسبتاً کوچک‌تری نسبت به دو گروه دیگر است، سه نفر از پژوهشگران حوزه برنامه‌ریزی منطقه‌ای و روستایی، دو نفر از بخش خصوصی و یک نفر از بخش دولتی



را شامل می‌شود. جدول ۶ گویه‌های متمایزکننده گروه شماره سه را در مقایسه با دو گروه دیگر نشان می‌دهد. گویه واگذاری برخی مسئولیت‌های دستگاه‌های اجرایی به تشکل‌های محلی روستاییان، اولین گویه متمایزکننده گروه سه از دو گروه دیگر بوده و از نظر این گروه امتیاز ۳ رتبه‌بندی کیو و در گروه یک و دو امتیاز ۲- را به خود اختصاص داده است. دومین گویه متمایزکننده گروه سه از دو گروه دیگر ارزیابی عملکرد سازمان‌های دولتی در حل مشکلات روستاییان است، این گویه در گروه سه از امتیاز ۲ برخوردار بوده و در گروه یک و دو به ترتیب ۱- و ۱ است. تمرکز بر توسعه زیرساخت‌ها و امکانات مناطق روستایی، ایجاد فضای مطالبه‌گری جامعه مدنی از سازمان‌های دولتی و مسئولان، برنامه‌ریزی در جهت ایجاد و توسعه عدالت و برابری فضایی از گویه‌های مورد تأکید گروه سه است که در دو گروه دیگر کمتر مورد توجه قرار گرفتند.

جدول ۶. گویه‌های متمایزکننده گروه ۳ نسبت به گروه ۱ و ۲

NO	گویه‌های متمایزکننده	گروه ۱		گروه ۲		گروه ۳	
		Z-SCR	Q-SV	Z-SCR	Q-SV	Z-SCR	Q-SV
۵	واگذاری برخی مسئولیت‌های دستگاه‌های اجرایی به تشکل‌های محلی روستاییان	-۱/۴۷	-۲	-۱/۴۷۲	-۲	۱/۶۱۷	۳
۸	ارزیابی عملکرد سازمان‌های دولتی در حل مشکلات روستاییان	-۰/۲۱۹	۱	۰/۸۲۲	۱	۱/۱۹۹	۲
۳۱	تمرکز بر توسعه زیرساخت‌ها و امکانات مناطق روستایی	۰/۳۸۲	۱	-۰/۶۵۶	-۱	۱/۰۲	۲
۱۲	ایجاد فضای مطالبه‌گری جامعه مدنی از سازمان‌های دولتی و مسئولان	-۰/۸۵۲	-۱	۰/۱۰۹	۰	۰/۹۹۹	۲
۲۷	برنامه‌ریزی در جهت ایجاد و توسعه عدالت و برابری فضایی	-۰/۰۴۹	۰	-۰/۰۶۵	-۱	۰/۹۴۲	۱

مأخذ: همان.

#### ۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

آنچه طراحی یک ساختار حکمروایی محلی با رویکرد مطلوب را بیش از گذشته ضروری می‌کند شناسایی آسیب‌هایی است که مدیریت محلی در ایران با آن مواجه بوده و همواره بر سر راه توسعه کشور و خدمات‌رسانی مانع ایجاد کرده است. ساختار سیاسی و اداری کشور ما طی سالیان دراز ساختاری متمرکز، اقتدارگرا و انحصارطلب بوده است و هرگز در طول تاریخ کشور بخش عمومی و خصوصی فرصت ابراز وجود و مشارکت فعال در عرصه عمومی را نیافته‌اند و از حقوق و تکالیف خود آگاهی نداشته‌اند. در زمینه‌های مختلف محلی، کمبود نیروی متخصص و کارآمد وجود دارد، محدودیت منابع مالی و نبود استقلال مالی از موارد دیگری است که به مدیریت محلی در ایران آسیب رسانده است. در نهایت تحقق حکمروایی محلی، بدون ساختار مناسب میسر نیست و فقدان ساختار مناسب برای پیشبرد امور با نگرش چندبعدی و هماهنگ همواره یکی از چالش‌های اصلی دهه اخیر بوده است.

این پژوهش به بررسی اولویت‌های تحقق حکمروایی محلی در ایران از دیدگاه کنشگران بخش‌های دولتی، خصوصی، جامعه محلی و پژوهشگران حوزه برنامه‌ریزی منطقه‌ای و روستایی با استفاده از روش کیو پرداخته است. از آنجاکه روش کیو از افراد می‌خواهد ذهنیت‌های خود را درباره موضوعی خاص بیان کنند، بر این اساس می‌پذیریم اولویت‌های تحقق حکمروایی محلی در ایران از سوی هر سه گروه، عوامل کلیدی در تحقق حکمروایی محلی در ایران بوده و هر گروه با دانش، بینش و نگرش متفاوتی که به موضوع دارند آن را بررسی و اولویت‌بندی کرده‌اند. براساس یافته‌های تحقیق می‌توان اذعان کرد که سه نوع دیدگاه متفاوت در خصوص اولویت‌های تحقق حکمروایی روستایی در بین کنشگران مختلف (دولتی، خصوصی، جوامع محلی و پژوهشگران حوزه برنامه‌ریزی

منطقه‌ای و روستایی) وجود دارد. در دیدگاه اول نقش بخش دولتی پررنگ‌تر است و گویه‌های پراهمیت از نظر این بخش گویه تغییر رویکرد از برنامه‌ریزی متمرکز به برنامه‌ریزی مشارکتی است. در دیدگاه دوم نقش جامعه محلی از سه بخش دیگر پررنگ‌تر است. در این دیدگاه گویه ایجاد و تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد در حکمروایی روستایی در رتبه اول قرار دارد و اولین گویه متمایزکننده گروه دو از دو گروه دیگر بوده است. دیدگاه سوم که گروه نسبتاً کوچک‌تری نسبت به دو گروه دیگر است، پژوهشگران حوزه برنامه‌ریزی منطقه‌ای و روستایی است که گویه واگذاری برخی مسئولیت‌های دستگاه‌های اجرایی به تشکل‌های محلی روستاییان، اولین گویه متمایزکننده دیدگاه سوم از دو دیدگاه دیگر بوده است.

در پاسخ به سؤال پژوهش از دیدگاه کنشگران بخش‌های دولتی، خصوصی، جامعه محلی و پژوهشگران حوزه برنامه‌ریزی منطقه‌ای و روستایی از بین ابعاد حکمروایی خوب ابعاد مشارکت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری به ترتیب در هرکدام از این گروه‌ها مورد تأکید قرار گرفته و از اهمیت بیشتری برخوردار است. با این وجود هر سه گروه بر ضرورت تقویت فضای پرسشگری برای مطبوعات و رسانه‌ها و تقویت بعد پاسخگویی به عنوان اولویت کلیدی برای تحقق حکمروایی روستایی اتفاق نظر داشتند.

این مطالعه در دیدگاه اول، هم‌راستا با نتایج مطالعات جانسون و همکاران (۲۰۰۷) و داگلاس (۲۰۰۵) است که حکمروایی را در تمرکززدایی قدرت، مشارکت و تصمیم‌گیری مدیران محلی مؤثر می‌دانند. همچنین با نتایج مطالعه بارکین (۲۰۰۰) همخوانی دارد که مدیریت مؤثر و کارآمد روستایی می‌تواند در کنترل ناپایداری‌های زیست‌محیطی تأثیرگذار باشد. در این راستا برخورداری مدیران روستایی از شیوه مدیریت و حکمرانی محلی مشارکتی می‌تواند در مشارکت‌جویی مردم محلی برای مدیریت مناسب مؤثر باشد. همچنین این دیدگاه با مطالعات دربان آستانه و همکاران (۱۳۸۹) و وودز (۲۰۰۰) که بر مشارکت تأکید

دارند و برک پور و بصیرت (۱۳۸۹)، بارتلت و پیووااسکی (۲۰۱۳)، ام دی و تورلی (۲۰۱۶) و کاظمیان و همکاران (۱۳۹۸) که بر وابستگی و همبستگی نهادها تأکید دارند، همسویی دارد. دیدگاه دوم با مطالعات یونگ و همکاران (۲۰۱۱) مطابقت دارد که کاربرد حکمروایی خوب محلی بر اجرای برنامه‌های توسعه روستایی را بررسی کرده و اشاره می‌کند که وجود تعهد کاری بین شوراها و مدیران محلی، آموزش، جذب منابع مالی و غیره در میزان رضایتمندی از عملکرد آنان مؤثر بوده است. همچنین با نتایج مطالعات دربان آستانه و رضوانی (۱۳۹۰) مطابقت دارد که متغیرهای درجه دهیاری، جمعیت روستا، رضایت شغلی و سطح تحصیلات دهیار، سبک مدیریت، انسجام اجتماعی، تعامل مؤثر با دهیاری‌های مجاور و تجربه دهیار مهم‌ترین عوامل مؤثر بر حکمروایی روستایی محسوب می‌شوند. در نهایت دیدگاه سوم با مطالعات فرهادی و زارع (۱۳۸۹) و رهنورد و عباس پور (۱۳۸۶) مطابقت دارد.

## منابع و مآخذ

۱. اطهاری، کمال (۱۳۸۶). «حاکمیت شایسته و ضرورت احیای حوزه عمومی»، *جستارهای شهرسازی*، ش ۲۰-۱۹.
۲. بازگان، عباس (۱۳۸۷). *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری*، تهران، نشر دیدار.
۳. برک‌پور، ناصر و میثم بصیرت (۱۳۸۹). «چالش‌های حکمروایی روستایی در منطقه کلان‌شهری تهران»، کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی.
۴. پورعزت، علی اصغر و الهام حیدری (۱۳۹۰). «شناسایی و دسته‌بندی چالش‌ها و موانع تجاری‌سازی دانش با استفاده از روش کیو»، *سیاست علم و فناوری*، (۱) ۴.
۵. توکلی‌نیا، جمیله، مجید اسکندرپور و مجتبی برغمندی (۱۳۹۱). «درآمدی بر حکمروایی خوب شهری: ضرورت‌ها، الزامات و چالش‌های فراروی تحقق آن در ایران»، *فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، سال پنجم، ش ۱.
۶. حسام، مهدی، محمدرضا رضوانی و حدیثه آشور (۱۳۹۳). «سنجش رضایتمندی روستاییان از عملکرد دهیاری‌ها با رویکرد حکمروایی خوب روستایی (مطالعه موردی: روستاهای دهستان جنوبی- شهرستان گرگان)»، *مجله آمایش جغرافیایی فضا* (دانشگاه گلستان)، سال چهارم، ش ۱۴.
۷. خسروی، نرگس (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی شاخص‌های حکمروایی مطلوب و توسعه پایدار روستایی (مورد مطالعه: شهرستان بیرجند)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بیرجند.
۸. خوشگویان‌فرد، علیرضا (۱۳۸۶). *روش‌شناسی کیو*، تهران، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات.
۹. دربان آستانه، علیرضا و محمدرضا رضوانی (۱۳۹۰). «تبیین عوامل مؤثر بر حکمروایی روستایی در حکومت‌های محلی (مطالعه موردی: شهرستان قزوین)»، *مدیریت شهری و روستایی*، (۲۹) ۱۰.
۱۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳). *مبانی مدیریت روستایی*، تهران، دانشگاه تهران.
۱۱. دربان آستانه، علیرضا، محمدرضا رضوانی، سیدحسن مطیعی لنگرودی و سیدعلی بدری (۱۳۸۹). «سنجش و تحلیل عوامل مؤثر بر حکمروایی روستایی در حکومت محلی (مطالعه موردی: شهرستان قزوین)»، *پژوهش‌های*

جغرافیای انسانی، دوره ۴۲، ش ۷۳.

۱۲. رهنورد، فرج‌اله و باقر عباس پور (۱۳۸۶). «حاکمیت خوب و امکان پیاده‌سازی آن در ایران»، فصلنامه مطالعات مدیریت، ش ۵۵.

۱۳. زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۸۶). توسعه پایدار، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

۱۴. عظیمی‌آملی، جلال و عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری (۱۳۹۳). حکمروایی روستایی (مدیریت توسعه پایدار)، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

۱۵. فرهادی، صامت و زهره زارع (۱۳۸۹). «نگرشی بر مدیریت روستایی چین با رویکرد حکمروایی»، مجله مسکن و محیط روستا، ش ۱۳۲.

۱۶. قلیچی، حسین (۱۳۸۵). «نقد کتاب حکمروایی، سیاست و دولت نوشته یان پی و پیتراگی»، نشریه سیاست داخلی (وزارت کشور)، ش ۱.

۱۷. کاظمیان، غلامرضا، وجه‌اله قربانی‌زاده، رضا واعظی و مرضیه شاه‌محمدی (۱۳۹۸). «الگوی نقش و ساختار حکمروایی محلی در نظام مدیریتی ایران»، مدیریت دولتی، دوره ۱۱، ش ۲.

۱۸. مرادی، ولی (۱۳۸۳). «مدیریت و برنامه‌ریزی شهری»، دنیای مسکن، سال اول، ش ۳-۴.

۱۹. معاونت امور دهیاری‌ها (۱۳۸۷). «عملکرد حوزه معاونت امور دهیاری‌ها در سال ۱۳۸۷»، ماهنامه دهیاری‌ها، ش ۲۶.

۲۰. مقیمی، محمد (۱۳۹۴). اداره امور حکومت‌های محلی (مدیریت شوراها و شهرداری‌ها)، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

۲۱. ویسی، هادی، زهرا احمدی‌پور و محمدرضا قالیباف (۱۳۹۱). «آسیب‌شناسی دولت محلی (مطالعه موردی شوراها و اسلامی کلان‌شهرهای ایران)»، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۶، ش ۲.

22. Adisalem, M. (2015). "The Performance of Good Governance on Land Administration at Local/Woreda Level: The Case of Naeder Adet Woreda, Tigray Region, Ethiopia", *International Journal of Political Science and Development*, 3 (9).
23. Barkin, D. (2000). "Local Governance: A Model of Sustainable Rural Resource Management for the Third World", *International Journal Agriculture Resources, Governance and Ecology*, 1 (1).
24. Bartlett, W. and V. Popovski (2013). *Local Governance and Social Cohesion in Ukraine*, Seventh Work Programme.
25. Douglas, Davide J.A. (2005). "The Restructuring of Local Government in Rural Regions: A Rural Development Perspective", *Journal of Rural Studies* 21, Available at: [www.elsevier.com](http://www.elsevier.com).
26. Graham, J., B. Amos and T. Plumptre (2003). "Principles for Good Governance in the 21st Century", *Policy Brief*, No. 15, Institute on Governance, [www.iog.ca](http://www.iog.ca).
27. Hendriks, F. (2013). "Understanding Good Urban Governance: Essentials, Shifts, and Values", *Urban Affairs Review*, 50 (4).
28. International Cooperation and Development European Commission (2016). "Supporting Decentralization, Local Governance and Local Development Through a Territorial Approach", Luxembourg: Publications Office of the European Union.
29. Johnson, Ronald W., Jr. Minis and P. Henry (2007). *Toward Democratic Decentralization: Approaches to Promoting Good Governance*, Near East Bureau, US AID, Washington, D.C.
30. Mallik, V. (2013). *Local and Community Governance for Peace and Development in Nepal*, German Development Institute, Bonn.
31. Margre, Jaume and Xavier Bertrana (2004). "Local Governments and Public City Managers in Seventeen European Countries", [http://www.csital.org/pdf/documents/2006\\_01\\_Local Government\\_S.pdf](http://www.csital.org/pdf/documents/2006_01_Local%20Government_S.pdf)
32. Mdee, Anna and Lisa Thorley (2016). "Good Governance, Local Government, Accountability and Service Delivery in Tanzania", An ESRC Research Project.
33. Murdoch, J. and S. Abram (1998). "Defining the Limits of Community Governance", *Journal of Ural Nkum*, 2002, Local Governance for Rural Poverty Reduction, European forum on Rural Development Cooperation, Policies & Approaches for Rural Poverty Reduction: What Works in Practice? [online], <http://www.ruralforum.info/papers/nkumen>.
34. Stark, Nancy (2010). *Effective Rural Governance*, Rural Policy Research Institute, U.S.A.
35. UNDP (2000). "Characteristics of Good Governance", The Urban Governance Initiative (TUGI).
36. Watts, Simon and Paul Stenner (2012). *Theory and Q Methodology: From Stephenson to Constructionism*, Doing Q Methodological Research: Theory, Method

and Interpretation; SAGE Publications Ltd.: Thousand Oaks, CA, USA.

37. Woods, M. (1995). "Discourses of Power and Rural it, Local Politics in Somerset in the Century", *Political Geography*, 16 (6).

38. Woods, Ngaire (2000). "The Challenge of Good Governance for the IMF and the World Bank Themselves", *World Development*, Vol. 25, No. 5.

39. Young, Sokphea, Soparth Pongquan and Sophal Ear (2011). "Local Good Governance of Rural Infrastructure Development Planning: Case Studies of Commune Councils in Cambodia", *International Journal of Environmental and Rural Development*, Vol. 2, No. 1.

40. Zabala, A. (2014). "Q-method: A Package to Explore Human Perspectives Using Q Methodology", *The R Journal*, 6 (2), <https://journal.r-project.org/archive/2014-2/zabala.pd>.

41. Zhang, X., Sh. Fan, Linxiu Zhang and Jikum Huang (2004). "Local Governance and Public Good Provision in rural China", *Journal of Public Economics*, Vol. 88, Issue 12.